

خوانش مفهوم شهر اسلامی در پرتو اندیشه‌های علوی

بهزاد وثیق

مهدی زارع

چکیده:

نهج البلاغه منبع حکمی برای مسلمین جهان است. امام علی (ع) در بیانات خویش، نه تنها ساحت‌های معنایی را فراروی مسلمین می‌نهد؛ بلکه در تعیین ساحت‌های کالبدی، مانند معماری و شهرسازی نیز مسیر مشخصی را نشان می‌دهد. امام علی (ع)، در دوران حکومت خویش با بهره‌گیری از سنت نبوی، به مدینه (شهر آرمانی) توجه داشته و سنتی را پایه گذاشت که امروزه به سنت علوی در هنر مشهور است. نوشتار حاضر با تکیه بر مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای به همراه بازبینی آیات الهی و بیانات علوی در نهج البلاغه، سعی نموده است تا در شناخت ابعاد معنایی و کالبدی سنت علوی در معماری و شهرسازی کنکاشی نموده و از این رهگذر گوشه‌ای از پهنه هنری امروزه معماری و شهرسازی شیعی را بازنماید. در این راستا پس از تشریح پیشینه و مقایسه داده‌های بنیادی، این نتیجه حاصل می‌گردد که امام علی (ع) براساس مولفه‌هایی چون عدالت‌محوری، وحدت‌گرایی، تقرب، تذکر و مساوات اجتماعی و اشرافیت‌گریزی، سعی نمودند تا شهر اسلامی را متجلی سازند.

کلیدواژگان: سنت علوی، معماری و شهرسازی، عدالت، رفاه اجتماعی.

exploration of Muslim architecture based on the Alavid teaches

Abstract:

The Nahj al-Balagha is a collection of sermons, letters, tafsirs and narrations attributed to imam Ali. Imam Ali in his writings refers to issues pointed out semantic and structural issues such as architecture and urbanism. Imam Ali during his rule, pay attention to the Medina (town Armani) using the prophetic tradition. He began a manner that is well known in the art by Alavid. This article, based on documentary and library, along with a review of divine verses and Alavid sayings, has been trying to search for meaning and physical aspects of the Alevis tradition in architecture and urbanism. In this way reveal a corner of the zone Shi'i art, architecture and urbanism today. So after explaining the history and compare the fundamental data, the result is that Imam Ali based on factors such as justice, unity oriented, approach, and noted social equality and anti-Aristocratic, tried to manifest their Muslim city.

Keywords: Alvid tradition, architecture and urban planning, justice and social welfare.

نمادها و نشانه‌ها در معماری قدسی^۱، صرفاً شکل‌های ظاهری و کمی نیستند، بلکه به تبع جهان‌بینی حاکم بر معماری نشأت گرفته از آن، دارای جنبه‌های کیفی و حاوی معانی و مفاهیم ازلی و تمثیلی نیز هستند. در باور انسان سنتی زندگی در این جهان، زندگی برای جهانی دیگر است. بنابراین بر آفرینشی مبادرت می‌ورزد که همواره یاد آور جهان ابدی باشد. مسلمان به دنبال کشف انتظام کیهانی و اینکه وی نیز جزیی از این انتظام بوده و رو به سوی مقصد مشخصی دارد؛ همواره درصدد همگرایی با کائنات و سیر به وحدانیت بوده است. در نظر او این نمادها و نشانه‌ها، صرفاً شکل ظاهری نبوده و نشان‌دهنده دیدگاه وی نسبت به هستی است. ماهیت معماری اسلامی بدلیل عدم شناخت ماهیت نمادها و نشانه‌ها و تماثل و همچنین عدم شناخت ایدئولوژی و نگرش سازندگان آن‌ها نسبت به هستی، امروزه اغلب بدرستی برداشت نمی‌شود. که منجر به تقلید صرف و یا نادیده گرفتن شده آنها می‌شود. سخنان امام علی (ع) در این زمینه می‌تواند به عنوان یکی از منابع مهم در این زمینه به کار گرفته شود. این مقاله با توصیفی از نمادها و نشانه‌ها و تبیین ماهیت و محتوای ذهنی و معنایی آنها به بررسی رابطه بین ظاهر و باطن در شهر اسلامی از دیدگاه حکمت علوی می‌پردازد. برای اینکه بتوانیم روند رشد و شکوفایی معماری اسلامی را که در یک قرن اخیر دچار بی‌توجهی و رکود عظیمی شده است، از سرگیریم باید اصول و جوهر معماری شیعی را بشناسیم. بدون شناخت این اصول اگر عملاً هم بخواهیم به معماری رنگ و بوی شیعی دهیم در شکل و ظاهر معماری باقی خواهیم ماند و این شکل‌گرایی را در طول قرن اخیر بسیار شاهد بوده‌ایم، که فاقد روح و معنای معماری اسلامی بوده است. این تحقیق با این مساله آغاز می‌شود که ساحت‌های معنایی و کالبدی معماری و شهرسازی، در دیدگاه علوی، با تاکید بر کتاب نفیس نهج البلاغه کدام‌اند؟ و چنین انگاشته می‌شود؛ که ویژگی‌هایی مانند عدالت، رضایتمندی شهروندی، شهرنخبگان و ... می‌تواند پیوند دهنده ساحت معنایی و کالبدی در دیدگاه علوی در زمینه معماری و شهرسازی مسلمین باشد. هدف از این تحقیق، شناخت و توسعه فهم اندیشه علوی در علوم کاربردی مانند معماری و شهرسازی، ایجاد زمینه در شناخت اندیشه علوی در ساحت‌های کالبدی و شناخت ظرفیت‌های کاربردی اندیشه علوی در زمینه چالش‌های معماری و شهرسازی معاصر است.

۲- مبانی نظری

سخن از سنت، سخن از اصول تبدیل‌ناپذیری است، با منشأ آسمانی و سخن از کاربردشان در مقاطع مختلفی از زمان و مکان. سنت واقعیتی ذاتی و روحانی و مبدائی دارد. و تمدن اسلامی ارائه‌دهنده نمونه برجسته از یک تمدن سنتی است. که در آن حضور بعضی اصول تبدیل‌ناپذیر که برگل این تمدن تسلط داشته‌اند، می‌باشد [2]. در عالم سنت انسان به عنوان عالم صغیر آینه دار عالم کبیر است. و در تجلیگاه اسماء و صفات الهی، هم نمایشگر صفات انفعالی است و هم صفات فاعلی. پیامبر اسلام (ص) به‌عنوان انسان کامل عالی‌ترین نمونه آفرینش است، که از طریق وی همه چیزها می‌توانند به مبداء بازگردند. انسان به عنوان خلیفه الله بر آنست تا سرشت خداگونه‌اش را در جامعه سنتی به فعلیت درآورد. و از آنجا که سطح معنوی انسان‌ها یکی نیست، نیاز به زبان مشترک دارند. و این زبان نمایشگر و پرورنده وحدت است. هنرمند عرصه سنت، روح درونی خود را به بیرون می‌تاباند و ضمیر پذیرای بیننده که از تمییزات حسش برانگیخته می‌شود، صورت‌ها را به درون در آورده و دایره ارتباط را کامل می‌گرداند. در جهان‌بینی سنتی، بودن انسان در این جهان مقدمه‌ای است برای بودن جاودان در جهانی دیگر. و هدف از زیستن انسان سنتی در این جهان دست یافتن به بهشتی موعود است در جهانی دیگر. و انسان سنتی در اشتیاق بازگشت به بهشت موعود، معماری‌ای فریاد، که بیش از آنکه محل بودن و سکنی گزیدن باشد، محل شدن و گذران است [3] به عبارتی معماری مقدس از آن رو زیباست که وابسته است به مرکزی‌ترین کانون وظایف بشری که همانا پیوند دادن و نزدیک ساختن آسمان و زمین است [4] و معماری سنتی با کیهان‌شناسی مأنوس و در ارتباط است و هر گونه خلّاقیتی در آفرینش معماری سنتی تکراری است از مثال‌های آفرینش عالم و هر بنایی که اینک بنیان نهاده می‌شود، ریشه‌اش در مرکز عالم قرار دارد [5]. هنرمند سنتی، آفریننده نیست، بلکه وی با اثرش پرده از رخسار حقیقت برمی‌دارد. آثار هنرمند سنتی همانند هنرهای طبیعت‌اند، همزمان کارآیند کیهانی و عجین با اصالت تبیین که حقیقت را از راه طریقت جستجو می‌کند. منبع الهام معمار مسلمان، طبیعت محسوس و هندسه پنهان و شگفت انگیز آن که رمزگشای صورت مثالی است، می‌باشد. طبیعتی که هندسه و حدانی‌اش را از پس تکثرات و تنوعاتش، پیش چشمان شهود وی قرار می‌دهد [6]. معماری شیعه تجلی و تبلوری از اعتقادات و باورهای جامعه شیعی و نشانه و علامتی از جوشش درونی او که به صورت اثر هنری ابراز می‌شود. اغلب اندیشمندان غربی نیز سرچشمه‌های وجوه نمادین اندام‌های کالبدی مساجد را عالم مثال یا عالم ملکوت و یا بهشت موعود می‌نامند. از جمله استیرلن، که این مطلب را به خوبی بیان نموده است [7]. قرآن و بیانات نبوی و علوی، ائمه و بزرگان شجره طیبه شیعه از منابع سازنده حوزه نظری معماری شیعی است که در

^۱ منظور از معماری قدسی؛ معماری اسلامی و سنتی است.

دورانی چون ولایت امام علی (ع) و دوران تشکیل سلسله صفوی تا به امروز به بعد کالبدی آراسته شده است.^۲ به عبارتی معماران شیعه جهت متوجه کردن انسان به ذکر الهی بنایی را می‌سازند و هنر و معماری شیعی ذکری هستند از کلامی والا. کلام امام علی (ع)، در این ساحت، هم در ابعاد مدیریتی و زیرساختی و نیز در مبانی هنری و زیبایی شناسانه، منبع و سرلوحه جهت آفرینش معماری و سازماندهی شهری است.

۳. پیشینه تحقیق:

در زمینه کاوش در معماری و شهرسازی شیعی تاکنون مقالات و کتب متعددی نوشته شده است. با اینحال این تحقیقات معطوف به سیره علوی و آموزه‌های ایشان در زمینه کالبدی نبوده است. بابایی (۲۰۰۸)، در کتاب "اصفهان و کاخ‌ها: کشورداری، تشیع و معماری در اوایل ایران مدرن" با اشاره به شهر اصفهان به ساختارهای بین شاه صفوی و علما می‌پردازد اما به ریشه‌های سنت تشیع نمی‌پردازد [8]. در پژوهشی دیگر اتاق بازرگانی عربی-انگلیسی (۲۰۱۰) در گزارشی به بررسی شهر عربی می‌پردازد [9]. در این تحقیق، به نقش نظام خلفا در رشد شهری اوایل اسلام پرداخته می‌شود و در این میان تنها به علل انتخاب کوفه به عنوان مرکز جهان اسلام می‌پردازد. سلیبا (۲۰۱۶)، به شکل شهر و محلات شیعی بالاخص در بغداد می‌پردازد. از نظر وی اهمیت بقاع و مقابر شیعی در شکل شهر موثر است. با این حال، نقطه تاکید وی بر ساحت کالبدی است و از اشاره به تاثیر آموزه‌های شیعی در ساخت شهر بیانی نیست [10]. برونر (۲۰۰۱) نیز به وضعیت کنونی شهرهای شیعی می‌پردازد و از ریشه شناسی آن‌ها پرهیز نموده است [11]. بنیسون (۲۰۰۷) از شهر به عنوان مولفه اثرگذار بر ساحت معنایی نام می‌برد و در کتاب خویش، به اثرات کالبد بر معنا و شکل دادن هنجارها در شهر و معماری اسلامی و نیز شیعی اشاره می‌کند [12]. با این توصیفات می‌توان در نظر گرفت کمتر پژوهشی در زمینه واکاوی اندیشه علوی در ساخت شهر و معماری شیعی، کوشا بوده است.

۴. اندیشه علوی و آموزه های شهری

بیانات امام علی (ع)، در قالب نامه‌ها و خطبه‌ها، منبع مستندی از اندیشه و دیدگاه‌های وی در تفسیر و تدبیر جهان است. یکی از کلیدواژگان، مباحثی است که درباره شهرسازی و معماری مورد اشاره واقع شده است. در ادامه به نکات برجسته کلام امام علی (ع)، درباره شهر و معماری شهری اشاره می‌شود. این نکات می‌باید سرلوحه مدیران ارجمند نظام اسلامی در جهان اسلام و بالاخص در امت شیعه باشد. در توضیح این مطلب؛ امام در خطبه ۱۵۱ با ذکر ظهور و طلوع انوار اسلام بر مدنیت جاهلی می‌فرماید "پس از گسترش اسلام، شهرها از پس گمراهی به وجود محمدی روشنایی یافت"^۳. از این گفتار چنین برمی‌آید که در بینش علوی میان جامعه انسانی و کالبد شهری که انسان در آن نظام یافته است پیوستگی کارکردی و معنایی مراد شده است. از اینرو اشاره به روشنایی یافتن شهرها فارغ از معنای کالبدی شهر به شخصیت روانشناسانه جوامع مدنی و انسان به‌عنوان بازیگر و سازنده اصلی شهرها نیز می‌باشد. اشاره امام علی به گمراهی تدریجی کوفیان از رشادتهای اولیه تا پشت کردن به امام، اینگونه بررسی می‌شود که تغییرات کارکردهای شهری در طول زمان می‌تواند عامل و زمینه گمراهی یا سعادت شهروندان باشد [13]. مدیران شهری در دو حوزه شهرسازی و انسان‌سازی به صورت هماهنگ عمل می‌نمایند تا مدینه پدید آید. امام در نامه ۵۲ به کارگزاران شهرها در رابطه با وضع نماز هشدار می‌دهند^۴ و در رویه‌ای همراستا امام به آبادانی شهرها تاکید می‌کند. به عبارتی دیگر امام توسعه شهری را همراستا با توسعه حوزه‌های انسانی می‌داند و به معنایی دیگر تا زمانی که شهروند رشد ننماید شهر همچنان از انجام ویژگی‌های مفید خود بی بهره می‌ماند. در ادامه به مهم‌ترین شاخص‌های بینشی شهر در دیدگاه امام علی (ع) پرداخته می‌شود.

۱.۴. شهر امن و سالم

در دین اسلام، امنیت یکی از اصول زندگی فردی و حکومتی است که خود به تنهایی زمینه ساز بهره‌وری از مواهب حیات و تکامل بشر و از مقدس‌ترین آرمان‌ها و ارزش‌هاست. البته امنیت حالتی نیست که با فعالیت فردی و یک جانبه تحقق پذیرد، بلکه تنها در سایه حکومت و تشکیلات حکومتی است که می‌توان به امنیت دست یافت. امیرالمؤمنین در یک طبقه بندی، امنیت را به انواع گوناگونی تقسیم نموده است: امنیت معنوی، فرهنگی، سیاسی-اجتماعی، اقتصادی، قضایی و مرزی؛ که تمام این ابعاد، در یک مجموعه شامل با همدیگر مرتبط و محدوده‌های هم را کامل می‌کنند [14]. ایشان در خطبه ۱۳۱ اهداف بلندمدت خویش از حکومت را معنویت، ایجاد امنیت و رفاه در جامعه و

^۲ لازم به ذکر است معماری فاطمیون مصر و رساله‌های اخوان الصفا در این دسته بندی دیده نشده و باید معماری شیعیان اسماعیلی در مقالی دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

^۳ أَضَاءَتْ بِهِ الْبِلَادُ بَعْدَ الضَّلَالَةِ

^۴ إِلَى أَمْرَاءِ الْبِلَادِ فِي مَعْنَى الصَّلَاةِ

حاکمیت قانون معرفی می‌کند [15]. یکی از جنبه‌های دیگر سلامت شهری، سلامت کالبدی شهر و روانی جسمی شهروندان است. تاکید امام به تاثیرات جغرافیایی بر روانشناسی محیط و تبیین اجتماعی جوامع شهری در خطبه سیزدهم^۵ نشان‌دهنده اوضاع اجتماعی ناشی از تاثیرات اقلیمی بر مدنیت شهر است. امام با توصیف شهر به عنوان مکانی در پهنه روانشناسی بر اثرات جغرافیایی و آب و هوایی و رابطه دوسویه مکان و روان تاکید می‌نمایند. در این خطبه مفاهیم امنیت، سلامت و ایمنی به هم پیوند خورده است.

۲.۴. شهر عدالت محور

برنامه‌ریزی فضایی می‌بایست مکان‌ها و فضاهایی پایدار ایجاد کند و این امر از طریق توجه به تفاوت، تنوع و عدالت در یک مکان، یک نقطه یا بخشی از فضا یا سطحی خاص میسر است [16]. توجه به حقوق اکولوژیک شهری نه تنها در ابعاد انسان‌شناسی و ترکیب ریخت شهری، بلکه در ابعاد مختلف آن مانند نظام کاربری‌ها، حقوق شهروندی، حقوق حیوانات و سایر مخلوقات الهی است. به گفتاری دیگر برنامه‌ریزی شهری از سوی مدیر جامعه جهت ساماندهی تمام باشندگان شهر، آفریده‌های الهی از جاندار تا زمین‌ها و منابع مادی است. تحقق عدالت اقتصادی، عدالت بهره‌وری جغرافیایی و مباحثی از این دست در این حیطه قابل تعریف است. امام در خطبه ۱۶۶ به این موضوع اشاره می‌کند: "از خدا نسبت به بندگان و شهرهایش تقوا پیشه کنید زیرا شما نسبت به زمین‌ها و حیوانات نیز مسول هستید"^۶. توجه امام نه تنها به متن شهر و مراکز بنیادین آن که در پیرامون شهر، حوائط و اقمار شهر نیز متمرکز است.^۷ امام در نامه ۵۳ به فرمانداران خویش توصیه می‌نماید تا "از آنان که در منطقه حکومت تو به‌سر می‌برند و آنان که در گوشه و کنار شهرهایت هستند کنجکاو کن،"^۸ ایجاد رابطه شفاف و مهرورزانه با شهروندان بخش کامل‌کننده شهرسازی علوی است. امام در نامه ۵۳ در این رابطه فرازی را بیان می‌دارند. امام می‌فرمایند: "برقراری عدالت در شهرها، و ظهور دوستی و محبت با رعیت (باعث قوام شهر) است."^۹ بدیهی است که این رویکرد باعث رضایت عامه است و امام در نامه ۵۳ می‌فرماید: "(مردم زمامت را) با آباد کردن شهرهای تو و آرایش حکومت به تو بازمی‌گردانند."^{۱۰}

امام در خطبه ۱۱۸ برای احقاق عدالت، بر حضور و وجود مدیریتی متمرکز و هوشمند در شهر تاکید می‌کند. ایشان می‌فرمایند: "سزاوار نیست که من سپاه و شهر و بیت‌المال و جمع کردن مالیات زمین و داوری بین مسلمانان را ترک کنم". تخصیص نیروهای مولد و برنامه‌ریز تحت لوای مرکزیت علوی از نکاتی است که در اداره شهر علوی دیده می‌شود. از سوی دیگر، امام در خطبه ۱۳۱ به نوسازی و بهسازی برنامه‌ریزی شهری در تمام ابعاد آن پس از خلفا دستور می‌دهد. این چاره‌اندیشی‌های اصلاحی در حوزه شهری و کلان تعریف می‌شود تا از نابرابری‌ها در تمام ابعاد آن که اینجا با نام ستم از آن یاد می‌شود، جلوگیری شود. امام می‌فرماید: "برنامه اصلاح را در شهرهایت آشکار کنیم، تا بندگان ستم کشیده‌ات ایمنی یابند"^{۱۱}. لذا بازبینی دائم برنامه‌های شهری در جهت رفع نابرابری‌های احتمالی ناشی از برنامه‌ریزی‌های پیشین جزئی از رویکرد اصلاحی مولای متقیان محسوب می‌شود. عدم توجه به این موضوع آفتی است که به تدریج ساختارهای اجتماعی-اقتصادی جامعه را مورد هجوم قرار می‌دهد. امام در خطبه ۱۴۷ ابراز می‌دارند که در صورت عدم توجه به ضرورت موضوع: "در شهرها چیزی بدتر از معروف، و بهتر از منکر پیدا نشود."^{۱۲} راهبردهای اساسی اصلاح در حوزه اجتماعی و بینشی از وظایف مدیران شهری است. این تغییرات بالذاته باعث رشد استعدادهای مدنی می‌گردد.

۳.۴. شهر نخبگان

امروزه، پژوهش‌ها نشان می‌دهند؛ جذب نخبگان منجر به خلاقیت، نوآوری و جهش اقتصادی شهرها می‌گردد، و این امر به پویای اقتصاد فرهنگی شهرها می‌انجامد. در کانون تمرکز این نظریه موضوعاتی از قبیل؛ فناوری، استعداد و تسامح و تساهل مطرح است و شاخص‌های شهر خلاق شامل تعدد فضاهای مدنی و عمومی، تنوع قومیت‌ها و نژادها و مکان‌های شهری مملو از جمعیت است. نقش طبقه خلاق در پویای

^۵ بِلَادُكُمْ أَتَتْ بِلَادَ اللَّهِ تَرْبَةً أَقْرَبَهَا مِنَ الْمَاءِ،

^۶ اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَانْكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبَقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ

^۷ شهرهای کهن دارای سه مرکز امیرنشین، سکونت مردم و باغ‌های کشاورزی بود که باغ و زمین‌های زراعی بیرون حصار شهر سامان می‌گرفت

^۸ وَ تَفَقَّدَ أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَ فِي حَوَاشِي بِلَادِكَ،

^۹ لِنَقَامَةِ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ، وَ ظُهُورُ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ. وَ إِنَّهُ لَا تَظْهَرُ

^{۱۰} يَعُودُونَ بِهِ عَلَيْكَ فِي عِمَارَةِ بِلَادِكَ، وَ تَزْيِينِ وَلَايَتِكَ

^{۱۱} نَظْهِرَ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ

^{۱۲} وَ لَا فِي الْبِلَادِ شَيْءٌ أَتَكَرَّ مِنَ الْمَعْرُوفِ، وَ لَا أَعْرَفَ مِنَ الْمُنْكَرِ.

فرهنگ مربوط به متغیر تسامح و تساهل است؛ به این معنا که شهرها با ترویج فرهنگی باز، چندملیتی، تکرگرا و تسامح‌گرا قادر به جذب نخبگان و به تبع آن پیشرفت و توسعه اقتصادی می‌گردند [17]. تصویر مدیریت شهری در دیدگاه امام علی (ع)، تعریفی از شهر نخبگان است. در این زمینه استفاده از اتاق‌های فکر و بهره‌گیری از نظرات کارشناسان امری ضروری است. امام در نامه ۵۳ توصیه می‌نماید که " برای استوار ساختن امور شهرها، با دانشمندان گفتگو کن و با فرزانتان بسیار سخن بگو" [1]. جابجایی و انتخاب مالک اشتر به جای محمد بن ابی‌بکر، نشانه‌ای از دید نخبه‌گرایانه امام علی (ع) در مدیریت شهری است. در همین راستا، تاکید بر جمعیت شهری و توسعه کالبدی از ویژگی‌های شهر نخبگان است. توسعه کمی و کیفی شهرها از آرمان‌های علوی است به این معنا که امام علی (ع)، روند بسیط شدن شهرها را به معنای مدینه دارای ویژگی‌های شهری پاک را پذیرا می‌گردند. امام در نامه ۶۹ توصیه می‌نماید که "در شهرهای بزرگ مسکن‌گزین که آنجا کانون اجتماع مسلمین است. در گذرگاه‌های بازار منشین که عرصه فتنه‌هاست" [۱۴]. یکی از نمادهای عزت و اقتدار اسلام در این گفتار توسعه شهری به جای افزایش زندگی روستایی کم بهره است. در حالت اول اقتدار جماعت مطرح می‌شود و نشانه دو بعد توسعه در اندیشه علوی است. در بیاناتی پرهیز از تشتت فرهنگی در عرصه شهری، عدم افتخار کردن به قوم، قبیله و نسب و برتری جویی، را توصیه می‌نمایند [1]؛ که مولفه‌ای بارز بر تاکید ایشان بر شهر نخبگان است.

۴.۴. شهر نشانه و ذکر

از منظر جهان‌بینی قدسی، در هر چیزی معنایی نهان مستتر است و مکمل هر صورت خارجی واقعیتی است که ذات نهانی و درونی آن را شکل می‌دهد. و جنبه‌ای کیفی است. برای شناخت تمامیت (درون و برون) یک شیء باید آنرا به اصلش بازگرداند. و این کار با تأویل امکان پذیر است. نماد علامتی قابل تحلیل معنایی است. به عبارتی قابل درک معنوی که محتوایی فراتر از تاثیرات آنی دارد. زبان نمادها، مبین دانشی است که از راه عقل حصول می‌گردد، که همانا معرفت است. نمادها خود تجلی‌اتی از مطلق در مقیدات هستند و صور نمادین، که جنبه‌های محسوسی از واقعیت ماورا طبیعی چیزهایند، موجودیت خود را دارند. و انسان نمادها را نمی‌آفریند، بلکه بدست آن‌ها دگرگون می‌شود. و موجودیت نمادها از این تمایل معکوس تبعیت می‌کند که ادنی جلوه گاه اعلی است [2]. چنانچه در ادبیات عرفانی، الفاظ گنجایش معانی بلند را ندارند. و انتقال معانی بلند متعلق به حیات معنوی در قالب الفاظ مادی نمی‌گنجد. و بدین صورت واژه‌ها صورت رمز و استعاره به خود می‌گیرند [18] در شهرسازی و معماری قدسی نیز اشکال جنبه نمادین به خود می‌گیرند. به عنوان نمونه حرکت مناره‌ها راکه بسوی آسمان سر بر افراشته و جهش می‌کنند، نمودی از گواه و شهادت بر یگانگی خداوند می‌دانند [3]. مطالعه تاریخ اسلام، نکاتی در شناخت سلاله اهل بیت و مولای متقیان قرار داده است. این اشارات برای معمار شیعی مابه‌ازای هنری و معمارانه داشته است. امام در خانه خدا متولد شده و آیه ۳۵ سوره نور اشاره به نور محمدی و امتداد آن در امان شیعه دارد. با این رویکرد و با عنایت به کلام علوی و آموزه‌های منتج از آن معماران شیعی تلاش وافر در زمینه‌های یادشده داشته‌اند که ابعاد معنایی و کالبدی مختلفی چون کعبه به عنوان نمونه کمال پیوند کالبد و معنا؛ بهره‌گیری از نور به عنوان یادآوری نور سلاله امامت؛ در آفرینش خود به کار برده‌اند. در بعد شهرسازی نیز امام بیانی دارد. شهر نه تنها در دوران حیات و رونق، مورد توجه امام است؛ بلکه در دوران زوال نیز دارای منافی است. به این معنی که شهر موجود دارای زمانی محدود می‌شود ولی شهر بی زمان که تبدیل به نشانه می‌شود نیز ارزشمند است. در این دیدگاه والا؛ شهر گاه خود نماد و عامل تذکر است. شهرها چه به صورت زنده و چه به گونه باستانی یا از بین رفته دارای ابعاد یادآوری و ذکر و عبرت می‌شوند. امام در نامه ۳۱ می‌فرماید: "به یادش آور، در شهرهای آنان و در میان آثارشان سیاحت کن، در آنچه انجام دادند" [۱۵]

۵.۴. همبندی معنا و کالبد در اندیشه علوی

امام علی (ع) کعبه را نشانه اسلام و حرم امن پناهندگان می‌داند (انصاریان، ۱۳۹۵، خطبه ۱، ۵۴). امام در خطبه ۱۰۹، خانه خدا را بانی امحاء فقر و عامل سعادت می‌داند. شیخ طوسی در الامالی خود از ابوذر نقل کرده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) فرمودند: نگاه کردن به علی بن ابیطالب، و نگاه کردن از روی محبت به پدر و مادر، و نگاه کردن به قرآن و نگاه کردن به خانه کعبه عبادت است [19]. هم شأنی صورت امام و خانه کعبه، نشان از ولایتی است؛ که امام بر انسان و کعبه بر سایر ابنیه دارد. در خطبه ۱۹۲ محیط عبادت خانه خدا را زمانی در بهیمنگی

^{۱۳} وَ أَكْثَرُ مَدَارَسَةِ الْعُلَمَاءِ، وَ مَنَافَتَةِ الْحُكَمَاءِ، فِي تَثْبِيتِ مَا

^{۱۴} وَ اسْكُنِ الْأَمْصَارَ الْعِظَامَ

^{۱۵} مِنَ الْأَوَّلِينَ، وَ سِرِّ فِي دِيَارِهِمْ وَ أَثَارِهِمْ، فَأَنْظُرْ فِيمَا فَعَلُوا

قلمداد می نماید که از هرگونه عارضه ای دنیوی خالی باشد و معماری عبادی مانند خانه کعبه و تسهیلات آن، باعث رفاه و در پی آن تکبر نشود. کعبه نه تنها به عنوان اولین الهام در معماری مطرح می شود، بلکه در سراسر جهان مسلمانان در همه جا، رو به سوی یک جهت و بطرف کعبه نماز می گزارند و جایگاه تولد و ورود نور علوی در جهان است. به این معنا که نه تنها کعبه با زایش اسلام در پیوند است بلکه با زایش وجود مطهر امام علی (ع) گره خورده و برای معمار شیعی اشاره به کعبه اشاره ای رمزی به سنت و تاریخ شیعی نیز قلمداد می شود. از اینرو شکل مادی خانه کعبه و نمادهای آن برای معمار و هنرمند شیعی جایگاه ویژه ای یافته است. معمار شیعی در پس اشکال به معنا نیز توجه داشته است. ابعاد تمثیلی این اشکال حائز اهمیت بوده و پرداختن برای درک ذات معماری سنتی ضروری است. اولین الهامی که در معماری اسلامی برای معمار مسلمان مطرح شده، کعبه بوده است. شکل کعبه چهارگوش و محاذی عرش (مربع) می باشد [20]. در همبندی فضاها به همدیگر در معماری قدسی، همواره فضایی واسط وجود دارد، که این فضای واسط آمادگی ورود به فضای بعدی را در انسان بوجود می آورد. درست مثل عالم برزخ که کوچ از این جهان به جهان ابدی را ممکن و مانوس می سازد. همبندی هر فضا در معماری قدسی از ایده اتصال (نمادی ازدنیای مادی) انتقال (نمادی از برزخ) و وصول (نمادی از عالم ملکوت) تبعیت می نماید. در تکمیل این مطلب، امام در توصیفی خانه و پیرامون را در آسایش و آرامش انسان در پیوند می داند [1]. اشکال هندسی در معماری شیعی، بیش از تمهیدات ساختگی صرف هستند، با اینکه همواره عملکردی معمارانه دارند، در باطن نظم ظاهری شان، عملکردی با اهمیت تر دارند، که حاوی اصول معنوی و جنبه های نمادین هستند. در این معماری صورت و معنا از هم جدا نبوده و اصول سنت نیز الهام بخش نیروهای خلاقه آدمی است و همه جامعه را در کلیتی واحد ادغام می گرداند. مربع و دایره بیش از سایر اشکال در معماری اسلامی کاربرد داشته و حاوی جنبه های تمثیلی و معنایی عمیق می باشند. در کیهان شناسی اسلامی مربع و مکعب نماد کامل ماده و تجسم اند. و به عبارتی دیگر مثلث، مربع و دایره اشکال صرف نیستند بلکه ذاتاً واقعیتی را در بردارند که درک آن از راه تاویل، آدمی را به عالم مثال و سرانجام به حقیقت رهنمون می شود. مربع نماد و معرف زمین، ماده، تجسم و تحدید است. دایره نماد آسمان، بیکرانگی، کمال و تمامیت است [21] و پیوند میان مربع و دایره اساس طرح معابد و یا به اصطلاح فرهنگ مشرق زمین "ماندالا" را شکل می بخشد. این پیوند حاوی معانی بسیار گسترده سمبولیک و رمزگونه است [22] و کعبه به عنوان یک ماندالای زنده در مرکز عالم، نمادی از تجسم الهی و دوایر متحدالمرکز آن نیز نمادی از گردش آسمان به دور مرکز عالم است. این ترکیب دایره و مربع اساس طرح پلانهای معماری قدسی را تشکیل می دهد [21]

۶.۴. نمادگرایی کالبدی-معنایی در اندیشه شیعی

معماری به عنوان جامع ترین ساخته انسان، نمایشگر کثرت وسائل و گونه گونه ترین راه رسیدن به وحدت است. نمایانی جنبه های کیفی و کیهانی فضا، کاربرد کمی آنرا در پی دارد و برداشت مثبت شهر و زنده از فضا بنیان تمام آفرینش های معماری می شود. بدین صورت این برداشت که فضاست نه شکل، که می باید به پیدایش صورت راهبر شود. اساس درک سنت معماری اسلامی است. معماری قدسی همواره درصدد نیل به بنیادی ترین اصل سنت، یعنی وحدت بوده است. و دیدگاه توحیدی نه تنها معماری و کلیت آن را شامل می شود، بلکه در بر گیرنده همه عناصر بوجود آورنده یک صورت معماری، از قبیل فضا، شکل و نور و رنگ و ماده هم هست. در این معماری نگرش به فضا با هر کارکردی جنبه قدسی می یابد و به عبارتی همان دریافت از فضا و شکل که مسجد به ما منتقل می کند، عیناً در خانه و بازار نیز محسوس است. چون فضایی که انسان قدسی همواره در آن زندگی می کند، هر کجا که پیش آید، همانی است که همواره است. درک معماری قدسی علاوه بر کلیت آن نیاز به شناخت اجزایش نیز دارد. فضا به عنوان یکی از اصلی ترین اجزای معماری سنتی است، که در کیهان شناسی مقام نفس کل را داراست در معماری قدسی فضا توسط صورهای واقع در آن جنبه کیفی پیدا می کند. و یک مرکز قدسی قطبی کننده فضای اطراف خود است، عیناً همانند مکه - که برای مسلمانان در حکم نقطه ای خاکی روی محوری است که آسمان و زمین را به یکدیگر پیوند می دهد و بر این اساس خود مرکز زمین است. قطبی کننده همه فضا برای بجا آوردن عالی ترین فریضه اسلامی است. (اردلان؛ بختیار، پیشگفتار نصر) در مراتب بعدی مساجد به عنوان مکان هایی قدسی بر فضاهای شهری اثر گذاشته و به آن ها قطبیت بخشیده و بر انتظام شهر تاثیرگذار می گردد. علاوه بر مساجد، اماکن مقدس کوچک تر نیز به عنوان بازتابنده حریم های مقدس متعالی در مقیاس خویش قطبی کننده محیط های پیرامون خود هستند. بدین ترتیب کل مجموعه شهری از یک انتظام کیهانی و مقدس برخوردار می گردد. با توجه به تبدیل کلیت شهر به یادمان به جای یادمان های شهری، شهر اسلامی و سنتی به تبع جهان بینی حاکم بر آن به وحدت بیان دست می یابد. کل مفهومی جدا از اجزاء دارد و مجموعه اجزاء متشکله خود نیست، جز نیز در مقیاس خود کامل است و وحدت را نشانگر است. در عین این که در ترکیب با اجرای متشابه و یا متباین، مجموعه بزرگ تر را سبب می شود. جزء در کثرت خویش وحدت را بیان می دارد و کل در وحدت خود کثرت را بیانگر است. سلسله مراتب فضایی از بزرگ ترین مقیاس تا کوچک ترین مقیاس کالبدی ایجاد و در حد مقیاس بر آن است، تا بازتابی از اصل

وحدت بخش جهان باشد [23] در شهرهای سنتی، وجود ارتباط عمیق بین تفکرات حکمی- فلسفی و نمود یافتن آن در فضاهای شهری، غنی‌تر شدن این عناصر و فضاها و چند ارزشی شدن معانی را سبب می‌شود؛ که نوعی تمثیل، استعاره و تأویل را موجب می‌گردد. برای بیان معانی کیهان شناختی به زبان پالایش یافته و از نوع زبان رمز و یا نماد در جهت تبدیل این معانی به بیانی روزمره نیاز است. به قول امام محمد غزالی: "عالم شهادت ساخته شد، تا همسان عالم غیب باشد و هر چیزی در این عالم، هیچ نیست جز رمز و نماد چیز دیگری در آن عالم. شهرهای اسلامی به طبع این آیه‌گرایی و ابعاد تمثیلی‌اش دارای ارزش‌های کیفی و کالبدی می‌گردد و بدین‌گونه ضرایب پویای معماری سنتی و اسلامی همواره به تفکر و احساس پیوسته می‌گردد و همراه با افکار، تخیلات و احساسات درونی انسان دگرگون می‌شود و معانی و مفاهیم خود را می‌یابد و بدین جهت است، که در فهم و بیان ضرایب دستور آن اشکال، دارای معانی و مفاهیم خاصی می‌گردد، که گویای ادراک انسان از جهان مادی و معنوی است. هر گوشه این شهرها دارای احساسی متفاوت و متنوع است. احساس آرامش، تواضع، تفکر، عظمت، نوآوری، تحسین، زیبایی و... [24] بدون شک شکل‌گیری فضاهای کالبدی در شهرهای سنتی اسلامی، به شیوه‌های متعدد، از فضای اندیشه‌ای حاکم بر آن متأثر بوده است. از سویی، فضای کالبدی متناسب با بستر فرهنگی، اندیشه‌ها، رسوم و سنن و ارزش‌های زیستی شکل یافته است و از سوی دیگر، مجموعه‌ای از نشانه‌ها، نمادها و مبانی فکری و مبادی صوری، مفاهیم و تصاویری برخاسته از آیین‌ها، اسطوره‌ها، صورت‌های مثالی اندیشه‌های ایرانی، در شکل‌گیری فضاهای کالبدی، نمود یافته‌اند [25].

۵. نتیجه گیری

چشم‌انداز خرد و کلان امام متقیان در حوزه معماری و حوزه شهری در جای‌جای کلام متبرک وی دیده می‌شود. همانگونه که آمد دیدگاه شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری امام در محورهایی مانند عدالت شهری، بهره‌گیری از نخبگان در مدیریت و طراحی شهری، اصالت امنیت و سلامت شهروندی و شهری، لزوم نشانه‌شناسی و نمادپردازی در معماری و شهرسازی و... ارائه گردید که بی‌شک با جستجوی پژوهندگان آینده ابعاد فراتری از این موارد تدوین می‌گردد. در این دیدگاه مدیریت امام، حاوی روابط مدیریتی و برنامه‌ریزی کلان شهری است که مدیران را قادر می‌سازد تا حوزه‌های خرد و کلان مدیریت را در پیوندی استوار با هم به جلو برده و شکوفایی مدینه شیعی را محقق سازد. معماری شیعی با توجه به نگرش و جهان‌بینی آن همواره حاوی معانی و مفاهیم عمیق بوده است. مفهوم‌پردازی و نمادگرایی در این معماری، اشاره به توجه انسان معنوی به جهان ماوراء طبیعی دارد. و به عبارتی وی همواره در صدد تمثیل و تجسم بهشت موعود و جهان لاهوتی در کره ارض بوده است. نمادها و نشانه‌ها در معماری سنتی، صرفاً شکل‌ها و کمیت‌های مقداری نیستند، بلکه حاوی مفاهیمی ازلی و دربرگیرنده کیفیات فضایی هستند و ظاهر جدا از باطن نبوده، بلکه صورت نزول و ظهور یافته آنست. معماران معنوی با توجه به اصول بنیادین هستی و اسلام، کلیت شهر را تبدیل به یادمان نموده و به سوی وحدانیت سیر می‌دهند، تا همگرا با هستی بوده و وحدت را از دل کثرت بیرون کشند. این نمادگرایی سبب ارتقاء ارزش‌های کیفی و کالبدی در شهر گردیده و در نتیجه ارتقاء کیفیت شهروندی را سبب شده است. شناخت این ویژگی‌های کیفی ارزنده، امروزه به دلیل فقدان ارزش‌های مذکور حائز اهمیت است. از منظر قدسی، ادراک معماری و اجزایش وسعتی دو جهانی می‌یابد. با وارد شدن به عالم عرفانی و شهودی سازندگان و عالم این‌جهانی آن‌ها درک صحیح ساخته‌های آن‌ها حاصل می‌شود. به عبارتی هر نوع شناخت از معماری شیعی، با شناخت عالم آن‌جهانی و عالم این‌جهانی مسلمان شیعه قابل درک و استنباط خواهد بود.

منابع

- [1] نهج البلاغه، ۱۳۹۴، گردآورنده سیدرضی، ترجمه علی شیروانی، موسسه انتشارات دارالعلم، قم.
- [2] اردلان، نادر؛ بختیار، لاله، ۱۳۹۴، حس وحدت سنت عرفانی در معماری ایرانی، ترجمه حمید شاهرخ، انتشارات نشر خاک، چاپ اول، تهران.
- [3] حاجت، عیسی، ۱۳۸۴، هویت انسان‌ساز انسان هویت‌پرداز، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۴.
- [4] بورکهارت، تیتوس، ۱۳۹۵، هنر اسلامی زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات سروش، تهران.
- [5] الیاده، میرچا، ۱۳۹۴، مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ، ترجمه بهمن سرکاراتی، انتشارات نیما، تبریز.
- [6] اندیمی، هادی، ۱۳۷۸، حقیقت نقش، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، کرمان، ۲۵ تا ۲۹ فروردین ۱۳۷۸، جلد دوم، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- [7] استیرلن، هانری، ۱۳۹۴، اصفهان تصویر بهشت، تهران، نشر فروزان روز.

[8] Babaie, Sussan, 2008 Isfahan and its palaces: statecraft, Shi'ism and the architecture of conviviality in early modern Iran, Edinburgh studies in Islamic art, Edinburgh University Press.

[9] Focus reports, 2010, Focus on Arab Architecture: Past and Present, Arab-British Chamber of Commerce

- [10]Saliba, Robert, 2016, Urban Design in the Arab World: Conceptualizing Boundaries, Routledge.
- [11]Brunner, Rainer, Ende, Werner, 2001, The Twelver Shia in Modern Times: Religious Culture and Political History, Volume 72 of Mnemosyne, Bibliotheca Classica Batava, Social, economic & political studies, Volume 72 of Social, economic, and political studies of the Middle East and Asia, BRILL, 2001
- [12]Bennison Amira K. Alison L. Gascoigne, 2007, Cities in the Pre-Modern Islamic World: The Urban Impact of Religion, State and Society, Volume 3 of SOAS/Routledge Studies on the Middle East, Routledge.
- [13]نادم، محمد حسن، ۱۳۹۳، مردم‌شناسی کوفه از نگاه امام علی (ع) با تأکید بر نهج البلاغه، پژوهشنامه نهج البلاغه، دوره ۲، شماره ۸، زمستان ۱۳۹۳، صفحه ۷۹-۹۵
- [14]لباف، فریبا، ۱۳۸۵، سیره عملی حضرت علی (ع) در استقرار نظم و امنیت فصلنامه دانش انتظامی، پاییز ۱۳۸۵، دوره ۸، شماره ۳؛ از صفحه ۷۷ تا صفحه ۹۹.
- [15]شاه آبادی، ابوالفضل، جامه برزگی، آمنه، ۱۳۹۲، نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه، پژوهشنامه نهج البلاغه، دوره ۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲، صفحه ۱-۱۷
- [16]Reeves, Dory, 2015: Management Skills for Effective Planners: A Practical Guide Planning, Environment, Cities, Palgrave Macmillan.
- [17]اشتری، حسن، مهدنژاد حافظ، ۱۳۹۴، شهر خلاق، طبقه خلاق، تهران: نیسا، چاپ دوم.
- [18]بهشتی، سید محمد، ۱۳۷۸ نسبت ظاهر و باطن در معماری ایران، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، کرمان، جلد دوم، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- [19]طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۹۴، الأمالی، مترجم: حسن زاده، صادق، ناشر: اندیشه هادی، محل نشر: قم، ایران.
- [20]انصاری، مجتبی، اصول طراحی معماری اسلامی و سنتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۶۷.
- [21]بلخاری قهی، حسن، ۱۳۸۴ جایگاه کیهان شناختی دایره و مربع در معماری مقدس (اسلامی)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، دانشگاه تهران.
- [22]ذکرگو، امیرحسین، ۱۳۷۸ تجلی ماندالا در معماری و موسیقی ایران، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، کرمان، ۲۵ تا ۲۹ فروردین ۱۳۷۸، جلد دوم، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- [23]اهری، زهرا؛ حبیبی، محسن، ۱۳۹۲، مکتب اصفهان در شهرسازی، انتشارات دانشگاه هنر، چاپ اول، تهران.
- [24]هاشم نژاد، هاشم، ۱۳۷۴. جستجوی ضرایب نهفته در میراث کهن، اولین کنگره. تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم، انتشارات سازمان میراث فرهنگی ایران، کرمان.
- [25]حکمتی، شیوا، اختر کبیر، ۱۳۷۴ فضای اندیشه ای-ذهنی، فضای کالبدی-شهری، اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، کرمان، جلد چهارم، سازمان میراث فرهنگی کشور.